



## Investigating the Historical Approach to the Anecdotes about Early Judaism and Christianity in the Qur'an and Hadith with an Emphasis on Shia Hadith

Received: 2023/01/11  
Accepted: 2023/06/03

10.22034/JKSL.2023.384628.1186  
20.1001.1.27833356.1402.4.2.1.4



\*Seyed Hossein Biriya

Type of Article: Researching

### Abstract

In recent centuries, the newly discovered Jewish and Christian books, following the critical approach to the content of the Bible, which was one of the consequences of the Age of Enlightenment, led to a revision of the history and teachings of these religions. In fact, the researchers tried to approach a comprehensive and harmonious reading of the mentioned religions by using the discovered sources. In the meantime, although it is possible to use some data from Islamic sources as an efficient reference, it has not been paid much attention to. The common opinion about this sort of information in Islamic tradition is that according to the common belief of Muslims, all of them were received from the supernatural channel and therefore have no historical value; therefore, it cannot be helpful in solving the problem. In the first step, this article has paid attention to the Qur'an, and based on the traditions, it has been guided to the inadmissibility of the historical approach to its verses; then the hadiths have been investigated, and the possibility of a historical approach toward them has been proved. In this regard, all traditions related to the history of religions were systematically identified, and their position was understood and determined; then, with the tool of the reference library collection and descriptive-analytical method, narrative reasons and evidence as well as its historical evidence were collected. In the end, the present study achieved four results of having the historical approach to hadiths. It seems that expressing a different report, confirming the contents of the Bible, supplementing the data in the mentioned books and reflecting a new report are the main results of the historical approach to religious traditions that will be effective in the research related to the Bible.

**Keyword:** Historical Approach, Judaism, Christianity, Quran, Hadith, Shia



صفحه: ۳۳ تا ۸

---

\*. Associate Professor, Department of Comparative Studies of Islam and Religions, Imam Reza International Research Institute, International University of al-Mustafa, Mashhad, Iran  
s\_h\_birea@yahoo.com



## الرؤية التاريخية لأخبار اليهودية والمسيحية المبكرة في القرآن والروايات على ضوء أحاديث الشيعة

تاريخ الاستلام: ١٨ جمادى الثانية ١٤٤٤  
تاريخ القبول: ١٤ ذي القعدة ١٤٤٤

10.22034/JKSL.2023.384628.1186  
20.1001.1.27833356.1402.4.2.1.4



سيد حسين بيرايي\*

### مقال بحثي

### خلاصة

إن اكتشاف أعمال جديدة في اليهودية والمسيحية بعد ولوج الرؤية النقدية، وهي إحدى نتائج عصر التنوير، إلى محتوى الكتاب المقدس أدى على التجديد في التأريخ ومعارف هذه الأديان. في الحقيقة حاول الباحثون ليتعشروا على قراءة شاملة ومتناسقة للأديان المذكورة باستخدام هذه المصادر المكتشفة. هذا وإن كان بعض البيانات مؤهلاً للمعالجة كمرجع مؤثر في المصادر الإسلامية إلا أنه لم يستحوذ على كثير من الاهتمام. وسبب ذلك يكمن في رؤية المسلمين التي كانت تتوجه دائماً إلى هذه البيانات وهي أنها جاء تلقيها جميعاً من قنوات ميثافيزيقية فليس لها قيمة تاريخية ولهذا السبب لم يكن لها نصيب في هذا التحليل. لقد توقفت هذه الدراسة في الخطوة الأولى إزاء القرآن فيقودها ذلك إلى إنكار الرؤية التاريخية لآياته وراحت تنظر بعد ذلك إلى الروايات وتثبت إمكانية استخدام تلك الرؤية فيها. بهذا الصدد، تمّ تحديد جميع الروايات التي تتعلق بتاريخ الأديان والشرايع بشكل منهجيّ منتظم كما تمّت معرفة سياقها. ثم راحت تجمع الشواهد الروائية والوثائق التاريخية باستعمال طريقة جمع الوقائع والبيانات المكتبية المرجعية وتقوم بتحليلها بتوظيف المنهج الوصفي التحليلي. واختتمت في الأخير بأربع نتائج في الرؤية التاريخية للأحاديث. ولعلّ التعريف المتباين عن الوقائع وتأييد نصّ الكتاب المقدس واستكمال بيانات الكتب المذكورة وتقديم تقرير جديد هي أهمّ نتائج هذه الرؤية للأحاديث والتي ينتفع بها في كلّ الأبحاث عن الكتاب المقدس.

**الكلمات المفتاحية:** الرؤية التاريخية، اليهودية، النصرانية، القرآن، الروايات والأحاديث، الشيعة.



سال چهارم

شماره دوم

پیاپی دوازدهم

تابستان ١٤٥٢

\*باحث مشارك، قسم الدراسات المقارنة بين الإسلام والأديان، معهد الإمام الرضا(ع) الدولي للبحوث، جامعة المصطفى العالمية، مشهد، إيران.

s\_h\_birea@yahoo.com



بررسی رویکرد تاریخی به اخبار یهودیت و مسیحیت  
آغازین در قرآن و حدیث و دستیابی به نتایج آن با  
تأکید بر روایات شیعی



سیدحسین بیرایبی\*

10.22034/JKSL.2023.379087.117 doi

20.1001.1.27833356.1402.4.2.1.4



دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

مقاله پژوهشی

### چکیده

در سده‌های اخیر، کشف آثار نویافته در جهان یهودیت و مسیحیت، به دنبال راه‌یافت رویکرد انتقادی نسبت به درون‌مایه کتاب مقدس که از پیامدهای عصر روشنگری بود زمینه‌ساز بازنگری در تاریخ و تعالیم این دو دین شد. در واقع محققان تلاش کردند با استفاده از منابع کشف‌شده، به خوانشی جامع و هماهنگ از ادیان مزبور نزدیک شوند. در این بین، اگرچه امکان بهره‌مندی از برخی داده‌ها در منابع اسلامی نیز به‌عنوان مرجعی کارآمد فراهم بوده، تا به امروز چندان التفاتی به آن نشده است. پنداشتی که همیشه متوجه این دسته از گزارش‌ها بوده آن است که بنابر باورداشت رایج مسلمانان، جملگی آن‌ها از مجرای ماورایی دریافت شده و از همین رو فاقد ارزش تاریخی است؛ بنابراین در این گره‌گشایی سهمی نخواهد داشت. این مقاله در گام نخست به قرآن توجه کرده و با تکیه بر روایات، به جایز نبودن رویکرد تاریخی نسبت به آیاتش رهنمون شده است؛ آنگاه به سراغ احادیث رفته و امکان رویکرد تاریخی را در آن اثبات کرده است. در این راستا، همه روایات مربوط به تاریخ ادیان به صورت نظام‌مند شناسایی و موقعیت آن‌ها فهم و تعیین شد؛ سپس با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای استنادی و روش توصیفی تحلیلی، دلایل و قرائین روایی و نیز شواهد تاریخی آن جمع‌آوری گردید. مطالعه حاضر در انتها به چهار ثمره رویکرد تاریخی نسبت به احادیث دست یافت. به نظر می‌رسد بیان گزارش متفاوت، تأیید درون‌مایه کتاب مقدس، تکمیل داده موجود در کتب مزبور و انعکاس گزارشی جدید، عمده نتایج رویکرد تاریخی به روایات ادبانی است که در تحقیقات مربوط به کتاب مقدس کارآمد خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** رویکرد تاریخی، یهودیت، مسیحیت، قرآن، حدیث، شیعه.



\* پژوهشگر همکار گروه مطالعات تطبیقی اسلام و ادیان، پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (ع)، جامعه المصطفی

العالمیه، مشهد، ایران  
s\_h\_birea@yahoo.com



## ۱. بیان مسئله

گرچه در اندیشه رایج شیعی، داده‌های مربوط به تاریخ و تعالیم یهودیت و مسیحیت آغازین، از مجرای غیرطبیعی یا ماورایی دریافت و سپس در قالب آیه یا حدیث به مخاطبان منتقل شده است، مطالعه دقیق منابع اسلامی نشان می‌دهد که این مسیر، شاهراه انعکاس اخبار مرتبط در منابع یادشده به شمار می‌رود و بستر انحصاری این انتقال نیست. به‌عنوان نمونه در خبری می‌خوانیم که نجاشی در رویارویی با جعفر بن ابی‌طالب گفت: «ما در انجیل خوانده‌ایم هرکسی که خداوند به او نعمتی دهد باید شکرگزار خداوند باشد و نیز خوانده‌ایم هیچ کاری در راستای شکرگزاری نسبت به خداوند، همچون فروتنی نیست». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۳۰۱). همان‌گونه که از محتوای خبر پیداست، منشأ این روایت دریافت فرازمینی نیست؛ بلکه رهرو عیسی علیه السلام آموزه‌ای از تعالیم وی را طریق منابع مسیحی بازگو کرده است و روایان و اهل حدیث نیز آن را سلسله‌وار در آثار خود منعکس ساخته‌اند. در رابطه با چنین گزارش‌های تاریخی، با سه دیدگاه گوناگون دربارهٔ اعتبارسنجی و وثاقت اخبار رودرو هستیم:

۱. رهیافت توصیفی که چنین روایت‌هایی را می‌پذیرد؛ بی‌آنکه بخواهد آن‌ها را به صورت دقیق و جدی بررسی کند؛

۲. رهیافت انتقادی که وجود مشکلاتی بر سر راه اعتبار و انتقال گزارش‌ها را می‌پذیرد؛ اما بر این باور است که می‌توان تصویر کلی و جامع آن را دگرگون کرد و از نو ساخت؛

۳. رهیافت شکاکانه که روایات را معتبر یا قابل بازسازی نمی‌داند (Donner, ۱۹۹۸, ۱-۳۱).

ملاحظه گزارش‌هایی مشابه خبر یادشده و درنگ در آن‌ها، ضمن توجه به دیدگاه‌های بالا، اهمیت شایانی دارد؛ زیرا افزون بر توسعه‌بخشی و جهت‌دهی دستیابی به داده‌های تاریخی، می‌تواند در راستای پذیرش یا رد شماری از اطلاعات تاریخی موجود در منابع ادیان و ملل نقش‌آفرینی کند؛ به عبارت دیگر، در جایی که منابع رسمی<sup>۱</sup> نتواند در زمینه یک داده تاریخی به‌روشنی اظهار نظر کند می‌توان از داشته‌های منعکس شده در منابع اسلامی در راستای تأیید یا رد آن استفاده کرد.

گلدزیه<sup>۲</sup> روایات را منابع تاریخی می‌شمارد؛ اما نه برای شناخت دوره‌ای که روایت وانمود می‌کند به آن دوره متعلق است. از دیدگاه او، روایات فقط برای شناخت زمان‌های متأخری که در آن

1. Canonical.  
2. Goldzihet.



زمان پدید آمده است، کارایی دارد. با این توصیف، محقق تنها می‌تواند از روایاتی به‌عنوان منابع تاریخی بهره‌برداری کند که بتواند با نشان دادن اشتباهات تاریخی‌شان<sup>۱</sup> اثبات کند آن روایات مجعولات یا اخبار ساختگی متأخر است.

از نگاه میور،<sup>۲</sup> احادیث می‌تواند گزارشگر تاریخ دوران‌های گذشته باشد. تأکید او تنها بر نحوه روایاری با روایات است:

«حدیث را جز با احتیاط فراوان و نقادی بسیار دقیق نمی‌توان پذیرفت. هیچ خبر مهمی را صرفاً نباید به دلیل وجود یک روایت، اثبات‌شده انگاشت؛ مگر آنکه برخی شواهد احتمالی دیگر، قیاسی یا جانبی، به نفع آن وجود داشته باشد. مورخ باید در برابر جانبداری‌های گمراه‌کننده در روایات موضع سرسختانه‌ای اتخاذ کند و هرآنچه نشانی از آن جانبداری‌ها دارد، رد کند.» (موتسکی، ۱۳۸۴ش، ۷).

به هر روی، مواجهه با اطلاعات منعکس‌شده در منابع اسلامی، از منظر تاریخی ارزشمند و مهم و کارآمد تلقی می‌شود؛ ولی ناگفته پیداست که چنین رویکردی، به اثبات و بررسی تفصیلی نیازمند است. بر همین اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا می‌توان در راستای شفاف‌سازی گزارش‌های متنوع و چالشی عهدین و نیز اعتباربخشی به داده‌های مربوط به یهودیت و مسیحیت که با کشف منابع نویافته پس از عصر روشنگری در میان محققان تاریخ ادیان متداول شد، به برخی آیات و احادیث هم‌التفات داشت و با اطلاعات موجود در آن‌ها، به‌مثابه گزارش تاریخی مواجه شد؟ بر فرض مثبت بودن پاسخ این پرسش، دلایل و مستندات آن کدام است و این نگاه چه نتایجی را به همراه خواهد داشت؟

شایان ذکر است که منظور از «رویکرد تاریخی» در این بحث آن است که به آیه قرآن یا حدیث از دریچه تاریخ بنگریم؛ بنابراین رویکرد تاریخی به آیات و روایات یعنی آن‌ها را منقولاتی بشماریم که گزارش‌هایی را از منابع تاریخی و شخصیت‌های پیشین در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد (خضرم، ۱۴۱۵ق، ۲۹). گرچه اصطلاح «حدیث» نیز از سوی صاحب‌نظران تعاریف گوناگونی دارد، مراد از آن در این پژوهش به‌طور شفاف، فرآیندی در تاریخ‌نگاری اسلامی است که از طریق آن،

1. anachronism/anachronistic  
2. Muir



گزارشی به قصد ماندگاری در ساختاری مشخص امکان نقل می‌یابد (احمدی، ۱۳۹۹ش، ۵۲). در واقع مسلمانان به هنگام جمع و حفظ حدیث، روایات متعدد و حاوی مفاهیم گوناگون را ضبط و گردآوری می‌کردند. برخی از این احادیث رفتار و سلوک پیامبر ﷺ و بعضی دیگر مواعظ و سخنان هدایتگر ایشان را منتقل می‌کرد؛ تعدادی نیز گزارش‌هایی از تاریخ پیشینیان را در برمی‌گرفت که در قالب حدیث، ثبت و نگهداری می‌شد (امین، ۱۳۳۵ش، ۱۴۴).

مطالعه قرآن و سنت از منظر تاریخی پیشینه قابل توجهی ندارد. همسو با پژوهش حاضر، در کتاب‌هایی چون *أثر الحدیث فی نشأة التاریخ عند المسلمین* نوشته بشار عواد معروف، *تاریخ حدیث* نوشته احمد پاکتچی، *مروری بر رهیافت‌های محققان غربی به مسئله وثاقت احادیث اسلامی* نوشته سیدعلی آقایی و *حدیث به مثابه متن مقدس* نوشته عایشه موسی و نیز در دو مقاله «آزمونی بر خوانش تاریخی روایات قصص: مطالعه موردی داستان اصحاب کهف» نوشته احمد پاکتچی و «حدیث و طبقه‌بندی آن در رویکردی تاریخی» نوشته محمدحسن احمدی، منابع اسلامی به‌ویژه روایات با نگاه متفاوتی بررسی شده است؛ اما جملگی آن‌ها رسالت دیگری را پیگیری می‌کند که به هدف نوشته حاضر یکسان نیست. در مطالعه پیش‌رو، ضمن توجه دادن به ممکن نبودن اثبات رویکرد تاریخی به آیات قرآن از طریق روایات، با بهره‌گیری از برخی معاجم روایی مشهور، احادیث شیعی مربوط به ادیان مزبور گونه‌شناسی و سپس صحت اختیار چنین رویکردی در مورد روایات، از مجرای احادیث پیگیری می‌شود؛ آنگاه دلایل و قرینه‌های موجود در اخبار و نیز مؤیدات تاریخی ذکر و در نهایت در قالب نمونه‌هایی، به ثمرات بحث اشاره می‌گردد.

## ۲. رویکرد تاریخی به آیات قرآن

در قرآن، واژگان «ابراهیم» ۶۹ مرتبه، «اسحاق» ۱۷ مرتبه، «یعقوب» ۱۶ مرتبه، «یوسف» ۲۷ مرتبه، «موسی» ۱۳۶ مرتبه، «هارون» ۲۰ مرتبه، «داوود» ۱۶ مرتبه، «سلیمان» ۱۷ مرتبه، «یحیی» ۵ مرتبه و «عیسی» ۵۹ مرتبه تکرار شده است. این میزان یادکرد اعلام ادیان ابراهیمی، بر وجود گزارش‌های فراوانی درباره یهودیت و مسیحیت در قرآن دلالت می‌کند. با این وصف، آیا می‌توان حداقل به پاره‌ای از داده‌های آن، رویکرد تاریخی داشت؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی محققان غربی از قرن نوزدهم میلادی به بعد به قرآن از منظر نوینی توجه و جایگاه و حیاتی آن را انکار کردند. این رهیافت پدیدارشناسانه سبب شد تا شماری از آن‌ها تصور کنند قرآن مصنوع بشری است. برخی هم معتقد شدند قرآن تحریف شده است. اتان کلببرگ شیعه‌شناس یهودی از مدافعان دیدگاه



نخست به شمار می‌رود و قرآن را ساخته بشر می‌داند. وی با استناد به پژوهش ونزبرو، معتقد است خاستگاه قرآن نه اسلام است و نه شبه‌جزیره عربستان؛ بلکه اعراب بعد از فتوحات، محیط فرهنگی فرقه‌گرایی را در بین‌النهرین یافتند و به تدریج شروع به اتخاذ و پذیرش آن و نیز سازگار کردن آن با محیط خود کردند. آنان در چنین وضعیتی، قرآن را از میان چندین نوع منبع و در فرآیندی که در آن وعاظ مردم‌پسند و قصه‌گویان نقش عمده‌ای داشتند، به وجود آوردند (Kohl=berg, 2009, 11). هرشفلد و شایبرو نیز خاستگاه قرآن را یهودی و بعضی مانند گروک، ردولف و اشتوگارت قرآن را برگرفته از منابع مسیحی دانستند (هویدی، ۱۳۸۶ش، ۳۱). باورداشت شماری مانند یوسف دژه حداد هم بر یکپارچه ساختن دو دیدگاه فوق است: «ما اعتراف داریم که قرآن وحی است؛ ولی به این معنا که از وحی اقتباس شده است.» (حداد، ۱۹۸۲م، ۵۴۰) در واقع حداد، قرآن را بازتولید پیامبر ﷺ از مجموع داده‌های موجود در تورات و انجیل می‌داند. دلیلی که او در این باره اقامه می‌کند سه مقدمه دارد:

۱. قصص قرآنی قبل از نزول قرآن در میان اعراب متداول بوده است؛
  ۲. اتصال و پیوستگی حضرت محمد ﷺ و عرب با اهل کتاب، دلالت بر یاد گرفتن این قصه‌ها از آن‌ها دارد؛
  ۳. تورات و انجیل ترجمه‌شده به زبان عربی در دسترس عرب قبل از نزول قرآن بود (همان، ۱۷۲، ۵۴۰ و ۵۴۳).
- برخلاف دیدگاه شخصیت‌های مذکور، نظریه دوم منشأ قرآن الهی را می‌داند؛ اما معتقد است این کتاب در فرایند انتقال از خداوند به سوی بشر، از تحریف مصون نمانده است (وات، ۱۳۷۳ش، ۴۷؛ بل، ۱۳۸۲ش، ۱۸-۱۹). شاید بتوان جدی‌ترین مدافع این دیدگاه را عبدالکریم سروش دانست. بنا بر باورداشت وی، قرآن به‌رغم انتساب به خداوند، در سلسله علل طولی و به صورت مستقیم و بدون واسطه، ساخته و پرداخته ذهن پیامبر ﷺ است و آموزه‌های ناصوبی از او به دلیل همزیستی‌اش با اعراب در این کتاب راه یافته است (فصیحی، ۱۳۹۰ش، ۱۱۵).
- در همین راستا، کلب‌رگ در ادعای نخستش گام دیگری پیش می‌رود و در این قرآن ساخته و پرداخته ذهن بشر، رویداد تحریف را نیز به نقل از دبرمر می‌افزاید:

اندکی پس از پیامبر، اعراب که تجار زبردستی بودند و فاتحان بزرگی شده بودند، طی تنها چندسال، ثروت و قدرت عظیمی را گرد آوردند. در میان این رجال صاحب قدرت و ثروت،



تعدادی در شخصیت خود، ویژگی‌هایی را جمع کرده بودند که با آن‌ها می‌توانستند نقش تعیین‌کننده‌ای را در تدوین و جمع‌آوری نهایی قرآن ایفا کنند. عبیدالله بن زیاد نوه ابوسفیان تاجری ثروتمند و فاتحی پیروز بود. بنا به قول منشی وی، عبیدالله دوهزار حرف به مصحف افزود. (Kohlberg, 2009, 16-18).

در باورداشت وی، یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تحریف قرآن، حجاج بن یوسف فرماندار عراق در زمان عبدالملک مروان است. کلبیگ می‌گوید: «حجاج عمیقاً مشغول متن قرآن بود. [او] قرائت‌های ناهمگون را تصحیح کرد و ترتیب و نظم برخی سوره‌ها و آیات را سامان داد.» همچنین او با نقل روایتی از ابن‌ابی‌داوود اظهار می‌دارد که حجاج دوازده مورد از حروف برخی کلمات قرآن را تغییر داد. (Kohlberg, 2009, 18-19)

از آنجاکه پژوهش پیش‌رو تنها به منابع روایی توجه دارد، هیچ‌یک از ادعاهای پیشین درباره قرآن را نمی‌پذیرد (نک: میرقیصری، ۱۴۰۰ش، ۴۷؛ جعفریان، ۱۴۱۵ق، ۸۹). با تأمل در منابع و بررسی گزارش‌های روایی، می‌توان به شواهد و ادله قاطعی دست یافت که جمع قرآن و حفظ آن از تحریف در زمان پیامبر ﷺ را تأیید می‌کند (نک: طبرسی، ۱۴۰۶ق، ۴۳؛ عاملی، بی‌تا، ۶۱-۷۳؛ رامیار، ۱۳۶۹ش، ۲۸۰-۲۹۰؛ جعفریان، ۱۴۱۵ق، ۳۵؛ خویی، ۱۳۶۴ش، ۲۰۷-۲۲۰ و ۲۵۰-۲۵۷؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ۲۶۹-۲۷۱؛ دروزه، ۱۹۷۹م، ۹۲-۹۳ و ۲۸۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ۲۰۷-۲۱۴؛ میرمحمدی، ۱۴۰۰ق، ۱۰۵-۱۰۶ و ۱۲۷-۱۲۹؛ زرقانی، ۱۴۱۲ق، ۲۵۶-۲۸۲؛ ابن‌هشام، ج ۳، ۱۰۴؛ باقلانی، بی‌تا، ۹۹؛ موسوی، ۱۴۱۶ق، ۲۹؛ ابن‌طاووس، ۱۳۶۳ش، ۱۹۲-۱۹۳). پس محتوای این کتاب آسمانی بنابر روایات، از پرتو وحی خداوندی و بدون دستبرد بشری در اختیار پیامبر ﷺ قرار گرفته و بر همین اساس، امکان مواجهه با آن از طریق رویکرد تاریخی منتفی است؛ با این‌همه اگر به آرای مستشرقان پیش‌گفته توجه کنیم، همچنان مجال طرح این پرسش باقی می‌ماند که آیا می‌توان با رویکرد تاریخی به برخی داده‌های قرآن نگرست یا بنابر آن دیدگاه نیز امکان اختیار چنین رویکردی وجود ندارد؟

### ۳. رویکرد تاریخی به داده‌های حدیثی

فارغ از قرآن، آیا با تأکید بر روایات می‌توان اثبات کرد که در میان خیل احادیث، برخی از آن‌ها منبع تاریخی به شمار می‌آید؟ در بخش حاضر، ضمن بهره‌گیری از کتب و آثار گوناگون، این موضوع را به تفصیل بررسی می‌کنیم.



### ۳-۱. گونه‌شناسی احادیث

نظر به ضرورت تعیین دامنه‌ی روایی بحث، شاید فراگیرترین دسته‌بندی احادیث ادیانی، تقسیم کردن آن‌ها به «مجموعول» و «غیرمجموعول» از حیث منشأ و مصدر دریافت باشد.

#### ۳-۱-۱. احادیث مجموعول یا اسرائیلیات و احادیث غیرمجموعول

پیش از ظهور اسلام، تاریخ نزد اعراب شامل انساب قبایل، ایام العرب و گزارش جنگ‌های آنان می‌شد و با شعر و قصه آمیخته بود؛ بنابراین ورای این موارد، هرآنچه از اخبار درباره‌ی انبیای یهود یا پادشاهان بابل و مصر و شام به گوششان می‌خورد آن را اسطوره تلقی می‌کردند (زرین‌کوب، ۱۳۷۹ش، ۸۴). با طلوع اسلام وضع متفاوتی رقم خورد و امت اسلامی با این‌گونه داده‌های تاریخی که پیشوایان معصوم آن را عرضه می‌کردند برخورد دیگری داشتند. شماری از این داده‌های ادیانی منعکس شده در روایات، به جعل و وضع متهم است و دانشمندان آن را «اسرائیلیات» خوانده‌اند. فان فلوتن می‌نویسد: «دانشمندان مسلمان، واژه اسرائیلیات را بر تمام باورهای غیراسلامی، به خصوص آن دسته از عقاید، افسانه‌ها، خرافات و اسطوره‌هایی که یهود و نصارا از قرن اول هجری در دین اسلام وارد کرده‌اند، اطلاق می‌کنند.» (فان فلوتن، ۱۹۶۵م، ۱۰۹). این‌گونه گزارش‌ها را عمدتاً افرادی چون عبدالله بن سلام، کعب الأحبار و وهب بن منبه ذکر کرده‌اند. ارتباط فرهنگی برخی صحابه با افراد یادشده باعث شد ایشان اطلاعات خویش را که از انجیل و تورات و شرح‌ها و حاشیه‌های آن‌ها فرا گرفته بودند در میان مسلمانان بسط دهند و امت اسلام هم در کنار تفسیر آیات قرآن از آن‌ها بهره ببرند (امین، ۲۰۱۲م، ج ۲، ۱۳۹). به‌عنوان نمونه، یهودیان علاوه بر انتقال مفاهیم دینی خویش، تورات و تلمود و زبور را به زبان عبری برای مسلمانان می‌خواندند (ضیف، ۱۹۷۲م، ۹۸).

به گفته‌ی ابن قتیبه، ابن اسحاق از یهودیان و مسیحیان مطالبی می‌آموخت و از آنان در آثار خود با عنوان «أهل العلم الأول» یاد می‌کرد (ابن قتیبه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ۸). در واقع، جایگاه دینی یهود و نصارا به‌عنوان اهل کتاب خود عاملی بود تا عرب جاهلی آنان را برتر از خود بدانند. آگاهی‌های یهود و قاریان تورات و انجیل از مطالب تاریخی و دانستن داستان‌های شگفت نیز عاملی در جهت برتر نمود یافتن آنان بر عرب جاهلی بود (جعفریان، ۱۳۶۴ش، ۲۰۷).

در برابر دسته‌ی فوق، اخباری وجود دارد که جعل و وضع متوجه آن‌ها نیست و از همین رو به

«غیرمجموع» نامبردار است. رفتار یکسان با همه احادیثی که به‌عنوان مجموع یا ساختگی شناخته می‌شود و کنار گذاشتن جملگی آن‌ها، برخورد موجهی نیست؛ همان‌گونه که تلقی به قبول تمام احادیث غیرمجموع نیز رفتاری علمی به شمار نمی‌آید. هر روایتی به بررسی سندی و محتوایی مستقل نیازمند است؛ ولی از آنجا که وظیفه محدود و مشخصی برای تحقیق حاضر در نظر گرفته‌ایم، تنها بر احادیث غیرمجموع تمرکز می‌کنیم و ضرورت پیگیری وضعیت سندی و دلالی روایاتش را به پژوهش دیگری حواله می‌دهیم.

### ۳-۱-۲. احادیث غیبی

در یک دسته‌بندی کلان، روایات غیرمجموع را به دو بخش غیبی و تاریخی تقسیم می‌کنند. احادیث غیبی اخباری است که از مجرای فرازمینی دریافت شده و به دو گونه الهامی و مکاشفه‌ای تفکیک پذیر است. اخبار الهامی آن‌هایی است که از طریق الهام خداوندی در اختیار پیامبر ﷺ یا اوصیای ایشان قرار گرفته است. نحوه دستیابی معصومان علیهم‌السلام به تاریخ و منابع ادیان، لدنی و من‌عندالله بوده است. به‌عنوان نمونه، چون بریهه مسیحی از چگونگی آگاهی امام علیه‌السلام نسبت به تورات و انجیل و سایر کتب انبیا جوریا می‌شود، امام علیه‌السلام در پاسخ وی، به وراثت این علوم از سوی خداوند اشاره می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۲۲۷). امام علی علیه‌السلام نیز در روایتی فرموده است:

از من سوال کنید که به خدا سوگند، از عالم ذر [هم] به شما خبر می‌دهم ... به خدا سوگند که اهل تورات یا انجیل یا زبور یا قرآن از من پرسشی نمی‌کنند، مگر اینکه میان انواع پیروان اهل کتاب از طریق حکمی که در کتاب خود آنهاست، تفاوت قائل می‌شوم. (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ۲۴۱)

غزالی درباره وسعت و منشأ چنین علمی می‌نویسد: «این فراوانی و گستره در علم دست‌یافتنی نیست؛ مگر از سوی منبعی الهی و آسمانی» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ۲۸۸). براین اساس، دامنه اطلاعات معصومان علیهم‌السلام نه‌تنها تاریخ و تمدن گذشته جهان خاکی که عوالم پیشین را نیز در بر می‌گیرد. در همین راستا، ملاقات راهب مسیحی با امام علی علیه‌السلام شایان ذکر است:

راهب قرقیسیا را نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام آوردند. وقتی امام او را مشاهده کرد، فرمود: «خیرمقدم به بحیرای اصغرا! کتاب شمعون کجاست؟» راهب عرض کرد: «ای امیرالمؤمنین، شما این



را از کجا می‌دانید؟» فرمود: «ما همه چیز را می‌دانیم و از دانش تفسیر معانی مطلعیم.» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ۲۵۵). (برای آگاهی از برخی شواهد دیگر نک: طبرسی، ۱۴۱۷ق، ۵۴؛ همو، ۱۳۷۰ش، ۲۸۷؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۳۰۶).

دسته دیگر، اخبار مکاشفه‌ای است که محصول رویارویی فرامادی و غیرطبیعی معصومان علیهم‌السلام با شخصیتی از امت‌های پیشین است و معصوم از طریق چنین دیداری، اطلاعات و گزارش‌های تاریخی را به عصر اسلام انتقال می‌دهد. امیرمؤمنان علیه‌السلام با شمعون در کنار فرات دیدار کرد. آنگاه وی نوشته‌ای را که مسیح علیه‌السلام املا کرده بود برای امام علیه‌السلام خواند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ۲۵۵)؛ همچنین طبق نقل، آن حضرت در ایوان کسری با انوشیروان هم‌کلام شد و او داده‌هایی را از تاریخ عصرش به امام علیه‌السلام انتقال داد (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳ش، ۷۱).

در این باره احادیث دیگری وجود دارد که در آن‌ها امام علی علیه‌السلام با اصحاب کهف، سلیمان پیامبر و سام بن نوح نیز دیدار و از ایشان اخباری را دریافت کرده است (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۱۷۹؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ۳۴۰). در خبری می‌خوانیم که عبایه اسدی گوید:

بر امیرمؤمنان علیه‌السلام وارد شدم؛ در حالی که مردی بدهیأت نزد وی حضور داشت و آن حضرت مشتاقانه با او هم‌سخن شده بود. چون آن مرد برخاست، عرض کردم: «یا امیرمؤمنان، این مرد که ما را از فیض حضور شما محروم کرد که بود؟» امام علیه‌السلام فرمود: «او وصی موسی (ع) بود.» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۲۸۲)

از محتوای گزارش اخیر به دست می‌آید که برخی از مسلمانان نیز چنین دیدارهای مکاشفه‌ای را تجربه کرده‌اند. در روایت دیگری آمده است که سلمان فارسی معاصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با عیسی علیه‌السلام دیدار و گفت‌وگو کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ۲۰۵). در عهد عمر بن خطاب نیز ملاقاتی بین سعد بن وقاص و وصی عیسی علیه‌السلام صورت گرفت. در این ملاقات، سعد از هویت وی جویا شد و او ضمن معرفی خویش گفت: «من ذریب ثملا، وصی بنده نیکوکار خداوند عیسی بن مریم علیه‌السلام هستم. او برای من از خداوند درخواست کرده است تا روزی که از آسمان فرود می‌آید، زنده باشم. سکونت من در این کوه است. من به شما سفارش می‌کنم که درستکار باشید.» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۱۴۲).

در این باره، ملاقات‌هایی هم با شخصیت‌های غیرانسانی در روایات ثبت شده است. حضور



هام بن هیم، جن معاصر با نوح علیه السلام، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نمونه‌ای از آن است. وی در این ملاقات اخباری را از عهد هابیل تا عصر عیسی علیه السلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهد (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۸۵۷). بنابراین، شماری از اخبار مربوط به ادیان پیشین از طریق دریافت‌های الهامی یا ملاقات‌های مکاشفه‌ای، فرصت نقل و انعکاس در روایات پیدا کرده است.

### ۳-۱-۳. احادیث تاریخی

در برابر اخبار فوق، داده‌هایی نیز از مجرای زمینی و بستر مادی دریافت شده و آنگاه در قالب حدیث در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.<sup>۱</sup> این دسته از روایات موضوع اصلی مطالعه حاضر است و به نظر می‌رسد می‌توان به آن‌ها رویکرد تاریخی داشت و از لوازم این نگاه سود جست. شمار این قسم از اخبار در منابع حدیثی شیعه، شاید به صد گزاره تاریخی هم نرسد؛ ولی اندک بودن تعداد نباید در توجه به آن‌ها و اهمیت امکان بهره‌برداری از محتوایشان با رویکرد تاریخی، خلل و رخنه‌ای ایجاد کند.

### ۳-۲. مستندات رویکرد تاریخی به حدیث

پس از آشنایی با جایگاه و موقعیت گونه خبر تاریخی در نظام احادیث، ضروری است درباره مستندات آن بحث کنیم. در این باره باید التفات داشت که پیش فرض مواجهه با روایات با رویکرد تاریخی، موجودیت منابع تاریخی و تعالیم ادیان در عصر معصومان علیهم السلام است. در واقع اگر معلوم شود در میان آثار مربوط به عصر پیشوایان علیهم السلام منابع مربوط به ادیان هم وجود داشته است، آنگاه مجال راه‌یافت منابع مذکور به متون حدیثی فراهم می‌آید. با این توضیح، در بخش پیش‌رو می‌کوشیم در پرتو دلایل و قراین حدیثی و نیز شواهد تاریخی، به بستر تحقق رویکرد تاریخی توجه و آن را اثبات کنیم.

۱. معصومان علیهم السلام در کنار برخوردار از علم غیب و سایر ویژگی‌های ممتاز اخلاقی، گزارشگرانی صادق و مورد اطمینان برای تاریخ ادیان نیز هستند و می‌توان با رویکرد تاریخی به برخی اخبارشان نگریست؛ به دیگر سخن، وثاقت در نقل گزاره‌های تاریخی، خود فضیلتی مستقل برای آن‌ها قلمداد می‌شود. با این وصف، به نظر می‌رسد این اشکال که «ایشان عالمان غیب هستند و هیچ‌گونه نیازی به دریافت اخبار از طریق نقل زمینی یا تاریخی ندارند؛ زیرا دریافت این چنینی به باورداشت نقصان علم پیشوایان علیهم السلام و نیازمندی ایشان به علوم بشری می‌انجامد»، خروج از موضع بحث و غیرقابل قبول است. فارغ از این نکته، در عمده روایاتی که می‌توان رویکرد تاریخی اختیار کرد معصوم علیه السلام نقش خاصی ندارد و داده تاریخی از طریق پیروان ادیان مطرح شده است و آنگاه روایان به ثبت و ضبط آن اهتمام ورزیده‌اند.

### ۳-۲-۱. دلایل نقلی

آیا محتوای روایات، بر وجود منابع و گزارش‌های ادیانی در عهد اسلام اشارتی دارد و این موضوع در خارج هم تحقق یافته است؟ در آغاز اسلام، صحیفه‌ای سریانی منسوب به شیث موسوم به *جامعه کبری* موجود بود و گزارش‌هایی از پیامبران پیشین را در بر داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ۳۱۰-۳۱۴)؛ همچنین مکتوباتی در اختیار بود که تاریخ موسی علیه السلام را منعکس می‌کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۲۱۰). دست‌نوشته‌ای نیز حاوی گزارش‌هایی از تورات به زبان سریانی متعلق به یکی از حواریون عیسی علیه السلام وجود داشت (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۰-۱۱۱). مکتوباتی نیز مربوط به عهد موسی علیه السلام در دسترس بود که او املا کرده بود و رهروان یهودی‌اش نگاشته و تدوین نموده بودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ۴۷۷).

حتی در عهد اسلام گزارشی به خط سریانی دربارهٔ مشاجره میان موسی و خضر علیه السلام موجود بود که به ۱۲۰۰ سال پیش از آن تعلق داشت (همان، ج ۱۷۷، ۴۰). شاید سردهستهٔ یهودیان در ماجرای شهادت امام علی علیه السلام توسط ابن ملجم، از طریق مراجعه به همین مکتوبات و منابع مشابه، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌گوید: «من در کتاب‌هایی که بر موسی علیه السلام نازل شده است دیدم، جرمی که ابن ملجم مرتکب شده است نزد خداوند از گناه فرزند آدم علیه السلام که برادرش را کشت و از غدار که شتر نمود را پی کرد، سنگین‌تر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ۱۹۲).

در عصر اسلام مکتوباتی نیز از عهد عیسی علیه السلام و با املائی او موجود بود که رهروان مسیحی‌اش نگاشته و تدوین کرده بودند. در این نوشته‌ها، دربارهٔ شمار مهمی از وقایع آینده همچون نام پادشاهان، توصیف‌های پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله و اوصیای دوازده‌گانهٔ او و بازگشت دوبارهٔ عیسی علیه السلام به زمین پیشگویی شده بود (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۵۰۰-۵۰۱). بنابر روایتی، فیلق بن یونان، مسیحی معاصر پیامبر صلوات الله علیه و آله، کتابی از عهد عیسی علیه السلام در اختیار داشت که در یکی از سفرهای آن صفات پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله منعکس شده بود. در دسترس وی آثاری نیز از گذشتگان وجود داشت که آن‌ها را مطالعه کرده بود (بکری، ۱۴۱۱ق، ۲۷۵). از محتوای خبری به دست می‌آید که عموی خدیجه علیه السلام و رقة بن نوفل هم کتابی دربارهٔ طلسم‌ها و اوراد و اذکار از عهد عیسی علیه السلام در اختیار داشت (همان، ۲۴۵). گزارش تاریخی فصد کردن عیسی علیه السلام و کم‌وکیف آن نیز در دوران پیشوایان اسلام موجود بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۵۱۳).

پیام مشترک، همسو و راهبردی تمامی گزارش‌های فوق آن است که منابع و داده‌هایی مربوط به

ادیان ابراهیمی در اختیار مسلمانان و جامعه آن عهد و سامان وجود داشت و بر این اساس، فرضیه راه‌یافت درون‌مایه برخی از آن‌ها به روایات بعید نیست.

### ۳-۲-۲. قراین روایی

فارغ از موارد پیش‌گفته، می‌توان قراینی هم از روایات استخراج کرد که بر باورداشت وجود منابع تاریخی و تعلیم ادیان در عصر اسلام مهر تأیید می‌زند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

بنابر روایتی، امام کاظم علیه السلام در حضور ابرهه مسیحی انجیل را تلاوت می‌کند. ابرهه انجیل خوانی امام علیه السلام را مطابق با قرائت عیسی علیه السلام می‌داند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ۳۱۰). چنین قضاوتی احتمال وجود منابعی از تاریخ و زندگانی عیسی علیه السلام را تقویت می‌کند.

در ملاقات میان نجاشی و گروهی از مسلمانان در حبشه، وی به منابعی استشهداد کرد که مربوط به عهد عیسی علیه السلام بود و چنین گفت: «ما در آنچه به عیسی علیه السلام نازل شد یافتیم که...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ۳۰۲).

شماری از شیعیان در عهد امام علی علیه السلام، موسی و عیسی علیه السلام را بر ایشان مقدم می‌دانستند (عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ۴۰۵). به نظر می‌رسد چنین پنداشتی بدون آگاهی از تاریخ و جایگاه موسی و عیسی علیه السلام که به‌طور طبیعی از پرتو دسترسی به منابع مکتوب یا شفاهی رقم می‌خورد، متصور نیست.

بنابر خبری، پیروان امام علی علیه السلام از ایشان انجام کارهای خاصی مانند معجزات و دلایل ارائه‌شده از سوی وصی عیسی علیه السلام را درخواست می‌کنند (عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ۴۸۸). این تقاضا از وجود منابع و اخبار تاریخ ادیان در عصر اسلام حکایت می‌کند.

در خبری، جابر بن عبدالله انصاری هنگام زیارت مزار امام حسین علیه السلام، به آنچه بر یحیی علیه السلام گذشت، شهادت می‌دهد (طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ۷۴). این گواهی نشانگر آن است که در آغاز اسلام، تاریخ زندگانی یحیی علیه السلام، به خاطر قرابت زمانی، در دسترس مردم بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در فرازی، در توصیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «سپاس خدایی را که تورا مشابه سیده زنان بنی اسرائیل قرار داد.» (ابن طووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ۵۲۹). آیا اگر منابعی درباره مریم علیها السلام در اختیار پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله نبود، ذهن آن‌ها به وجه شباهت موجود میان این دو شخصیت منتقل می‌شد و مقصود ایشان را درک می‌کردند؟

در خبر دیگری آمده است که مردمانی سراغ پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و با استناد به فعل عیسی علیه السلام



مبنی بر زنده کردن مردگان، انجام این کار را از ایشان درخواست کردند. ایشان مسلمانان آشنا با محتوای قرآن نبودند. از مفاد این خبر می‌توان به وجود منابع تاریخی در آغاز اسلام پی برد: «ای محمد، هرآینه عیسی بن مریم مردگان را زنده می‌کرد؛ پس تو هم آن‌ها را برایمان زنده کن.» (بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ۸۷۷-۸۷۸)

روایتی نیز از وجود شخصیتی در عهد امام حسن عسگری علیه السلام در منطقه فارس خبر می‌دهد که در شناخت کتب و منابع مسیحیت و تسلط بر آن از همگنانش پیش‌تر بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ۵۱۲-۵۱۳).

افزون بر نمونه‌های فوق، حضور «معمّین» در صدر اسلام هم گمانه دسترسی به منابع مربوط به تاریخ و تعالیم ادیان به‌ویژه مسیحیت را بیش‌ازپیش تقویت می‌کند. مقصود از «معمّین» افرادی است که ۳۲۰ سال قبل از اسلام را درک کردند و ۶۰ سال هم بعد از طلوع اسلام زیستند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ۵۵۰). برخی از معاصران اسلام آن‌قدر عمر کردند که در طول زندگانی دراز خویش ملاقات‌کنندگان عیسی علیه السلام را درک نمودند (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ۳۶۸).

همچنین بنا بر روایتی، در زمان امام باقر علیه السلام عالمی مسیحی زندگی می‌کرد که شاگردان حواریون عیسی علیه السلام را درک کرده بود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ۱۲۲).

عبدالمسیح هم شخصیتی مسیحی بود که ۳۵۰ سال عمر کرد. وی بخش قابل توجهی از حیاتش را قبل از طلوع اسلام یا در «دوره فترت» زیست (علم الهدی، ۱۹۹۸ م، ج ۱، ۲۶۰). بنا بر خبر دیگری، در عصر ظهور اسلام، اسقفی ۳۶۰ ساله حضور داشت که با زبان یونانی، ابزار کارآمد برای رویارویی با متون مسیحی، آشنا بود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ۲۴۳).

بعید نیست شماری از اخبار تاریخ ادیان، به‌ویژه با توجه به هویت تشریحی آیین مسیحیت، از طریق افراد فوق به پیشوایان اسلام منتقل شده و سپس در منابع روایی راه یافته باشد.

### ۳-۲-۳. گواهی تاریخ

افزون بر موارد پیشین، مستندات تاریخی شاهد مستقلی است که از وجود اخبار ادیان در منابع و مکتوبات آن دوران حکایت می‌کند. دیوید توماس<sup>۱</sup> معتقد است متون مقدس مسیحی از همان آغاز و حتی پیش از اسلام، به زبان عربی در دسترس جامعه بوده است (توماس، ۱۳۹۹ ش، ۳۸). سید بن طاووس از کتاب یهودیان موسوم به *دنیال* نزد خویش یاد می‌کند و می‌نویسد:

1. David Thomas.



دو خلیفه اول با مراجعه به کتاب مزبور دریافتند پیامبر ﷺ سرور جهان خواهد شد و بعد از او مردی از «تیم» و مردی دیگر از «عدی» به جای امام علی ﷺ بر مسند خواهند نشست؛ از همین رو پیرو رسول خدا ﷺ شدند و به دست ایشان اسلام آوردند تا ولایتی را که «دانیال» در کتاب خود گفته بود از آن خویش سازند (ابن طاووس، ۱۳۷۵ش، ۱۱۴).

بنابر نقل تاریخ، میان مردم در عصر نخستین اسلام داستان‌هایی رواج داشت که عمدتاً از تلمود، میشنا و کتب غیرقانونی یا آپوکریفا اخذ شده بود (علی، ۱۹۸۰م، ج ۶، ۶۸۱). در شعر شاعران نیز اطلاعات و داده‌هایی از ادیان انعکاس یافته که خود شاهدی دیگر در این زمینه است (شیخو، ۱۹۸۹م، ۳۸۹ و ۴۵۱؛ زیات، ۲۰۱۰م، ۱۹۴؛ بروکلیمان، ۲۰۰۶م، ج ۱، ۱۴۷ به بعد). به عنوان نمونه، محتوای یکی از اشعار دربرگیرنده حکایتی از عهد عتیق بود (مقدسی، بی تا، ج ۱، ۱۵۰). ابن العبری<sup>۱</sup> نیز آورده است که در حوالی ۶۳۱ تا ۶۴۰ میلادی، یکی از مونوفیزیت‌ها موسوم به پاتریارک یوحنا<sup>۲</sup> ترجمه کتاب مقدس را از یونانی به عربی انجام داد و امکان راه‌یافت اخبار ادیانی را به جوامع اسلامی بیش از پیش تسهیل کرد (Spranger, ۱۳۱, ۱۸۵۱).

بررسی ادبیات عصر جاهلی هم از وجود اصطلاحات و واژگان مربوط به مسیحیت و یهودیت، همچون تصبیغ<sup>۳</sup> (بلاذری، ۱۴۱۲ق، ۱۹۰؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ۲۱۶)، صوم (شیخو، ۱۹۸۹م، ۱۷۹)، صلیب (اصفهان‌ی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ۴۷)، الشبر<sup>۴</sup> (زییدی، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ۲۸۹)، مجله<sup>۵</sup> (سامرائی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۷)، جهنم (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲۴، ۳) جهینوم (Gehinnom) (Gibb, 1953, 81) خبر می‌دهد که مؤیدی بر وجود داده‌های ادیانی در این بازه زمانی است.

شایان ذکر اینکه در عهد مأمون و معاصر با امام رضا ﷺ، یکی از پادشاهان مسیحی به درخواست خلیفه عباسی، خزانه کتاب‌های یونان را به مسلمانان واگذار و از این طریق دسترسی هرچه بیشتر مسلمانان به منابع و محتویات ادیان پیشین را فراهم کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ۱۹۷؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۱۶۷).

علاوه بر موارد فوق، شواهد دیگری نیز در متن روایات به چشم می‌خورد و نشان می‌دهد این

1. Barkebraeus.
2. Monophysite Patriarch Johannes.

۳. تعمید.

۴. قربانی.

۵. اسفار کتاب مقدس.





بستر به طور طبیعی وجود داشته است تا فراگیرتر از مکتوبات، آثار و بقایایی مربوط به ادیان و ملل پیشین و به طور خاص مسیحیت و مسیحیان به عصر پیشوایان اسلام رسیده باشد؛ به عنوان نمونه، نزد راهبی هم عصر با امام عسگری علیه السلام، استخوانی از انبیا پیشین وجود داشت (جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ۴۹۹). بنابر خبر دیگری، ویژگی های ظاهری سلیمان علیه السلام و اوصاف پادشاهی وی، به عصر پیشوایان اسلام انتقال یافته بود (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۰۹). حتی مفاد برخی روایات از آن حکایت دارد که خاتم سلیمان علیه السلام، الواح موسی علیه السلام و عصای او و طشتی که موسی علیه السلام با آن قربانی می کرد در اختیار پیشوای ششم شیعه بوده است (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ۱۷۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ۱۷۵).

نیز در گزارشی آمده است که معاصران عیسی علیه السلام به حرفه طبابت اهتمام داشتند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ۱۴۵) و دانش مزبور توسط مسیحیان به عهد اسلام رسیده بود (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ۶۱۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ۱۵۰). در خبر دیگری می خوانیم شخصی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد و از ایشان درخواست می کند تا به مسلمانان اجازه دهد مشابه مسیحیان، مسیر رهبانیت را برگزینند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ۳۶۲). چنین تقاضایی نشان از آن دارد که آموزه رهبانیت از عصر عیسی علیه السلام و از طریق نسل های متمادی مسیحیان به دوران اسلامی راه یافته بود. به گزارش تاریخ، سبک زندگی راهبان مسیحی، اعراب را به سوی خود جلب کرده بود؛ از همین رو ایشان معتقد شدند خداوند دعای راهبان را سریع مستجاب می کند و در نتیجه، در صورت بروز مشکلاتی از قبیل ناباروری زنان، درمان نشدن مریضان و طلب فرزند مذکر به آنان رجوع می کردند (زیات، ۲۰۱۰م، ۱۱۶).

فارغ از نمونه های ماورایی، همچون جنی که لباسش ۷۰۰ سال قدمت داشت و با این لباس عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله را ملاقات کرده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ۱۱۸)، شواهد پیش گفته گویای آن است که آثاری از گذشتگان به عهد اسلام رسیده بود؛ بنابراین گمانه وجود اخباری از تاریخ ادیان و ملل به ویژه تاریخ عیسی علیه السلام و پیروانش در ادوار آغازین اسلام و نیز راه یافت آن ها در منابع اسلامی نه تنها بعید نیست، بلکه احتمال رخداد آن به طور چشمگیری وجود دارد. در این رابطه، مفاد خبری که «فترت» یا بازه زمانی بین عهد عیسی علیه السلام و روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها سه نسل معرفی می کند تقویت کننده این حدس است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۵).

افزون بر تمامی موارد فوق، بهره مندی اعراب آن عهد و سامان از صنعت ساختمان سازی کنیسه، دیر، محلی که قربانی بر آن قرار می گرفت، محراب عبادت و الگوگیری از نقش و نگاره های



مسیحی، انتخاب اسم‌هایی چون آدم، شیوع،<sup>۱</sup> اسحاق، داوود، سلیمان، عبدالمسیح، بولس، جرجس، شمعون و ماریه، همچنین رسم «حنه» برای موالید و فرزندان، جملگی نشان می‌دهد که آثار و تعالیمی از ادیان پیشین، به‌ویژه مسیحیت، به جامعه اسلامی انتقال یافته بود (علی، ۱۹۸۰م، ج ۶، ۶۹۰؛ همان، ۶۸۲-۶۸۶). بنابراین و با نظر به آنچه گذشت، تردیدی نیست که در جغرافیای اسلام و معاصر معصومان علیهم‌السلام، بقایا و منابع و مکتوباتی مربوط به ادیان پیشین وجود داشته است. از سوی دیگر، واژگان دخیل در برخی روایات نیز نشان می‌دهد که ظاهراً پاره‌ای از اطلاعات موجود در این منابع از مجرای مکتوب یا شفاهی به میان احادیث راه یافته (شامی، ۱۴۲۰ق، ۷۸۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۳۰۱؛ جوهری بصری، بی‌تا، ۳۴-۳۵؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ۱۴۸) و بر همین اساس، فرصت مواجهه با داده‌های آن‌ها را از منظر تاریخی برای محققان تاریخ ادیان فراهم ساخته است.

### ۳-۳. کارکردهای رویکرد تاریخی به احادیث

بعد از اثبات وجود رویکرد تاریخی در احادیث، در بخش اخیر ضمن دستیابی به کارکردهای چهارگانه رویکرد تاریخی و انعکاس مجموع آن‌ها، به شماری از این‌گونه اخبار و روایات اشاره می‌کنیم.

#### ۳-۳-۱. انعکاس گزارشی متفاوت از محتوای کتاب مقدس در روایت

به‌عنوان نمونه، از گزارش عهدجدید به دست می‌آید که:

چون موسی علیه‌السلام قومش را به سوی کوه سینا برای عبادت و گفت‌وگو با خداوند (یهوه) ترک گفت، بنی اسرائیل سراغ هارون رفته و از موسی علیه‌السلام نزد وی گلایه کردند. پس در آن ایام گوساله‌ای ساختند و بدان بت قربانی گذرانیده به اعمال دست‌های خود شادی کردند. از این جهت خدا روگردانیده ایشان را واگذاشت تا جنود آسمان را پرستش نمایند؛ چنان‌که در صحف انبیا نوشته شده است. (اعمال رسولان، فصل ۷)

این واقعه به نقل از صحف یادشده در قالب روایتی از قول مسیحی معاصر با دوران نخستین اسلام چنین منعکس شده است: «ما در کتاب انبیا یافتیم که... قوم موسی علیه‌السلام پس از وی، گوساله‌پرست شدند و هارون را از مقام وصایت کنار زدند.» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۳۰۳). در عهد عتیق نیز درباره رویداد یادشده می‌خوانیم:

۱. ابراهیم.



و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود، قوم نزد هارون جمع شده وی را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند؛ زیرا این مرد موسی که ما را از زمین مصر بیرون آورد نمی دانیم او را چه شده است. هارون بدیشان گفت: گوشواره‌های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شماسست بیرون کرده نزد من بیاورید. پس تمامی قوم گوشواره‌های زرین را که در گوش‌های ایشان بود بیرون کرده نزد هارون آوردند و آن‌ها را از دست ایشان گرفته آن را با قلم نقش کرد و از آن گوساله ریخته‌شده ساخت. (خروج، فصل ۳۲)

هر سه منبع به اصل رویداد گوساله‌پرستی اشاره می‌کنند، ولی همان‌گونه که پیداست تفاوت‌هایی نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه عهد جدید درباره سازنده گوساله سکوت می‌کند، اما مفاد روایت اسلامی از کنار گذاشتن هارون به‌عنوان وصی موسی علیه السلام و رفتن به سوی ساختن گوساله خبر می‌دهد و عهد عتیق هارون را سازنده آن معرفی می‌کند.

### ۳-۳-۲. تأیید محتوای کتاب مقدس از سوی حدیث و همسویی با داده‌های موجود در آن

به‌عنوان نمونه در عهد عتیق آمده است که:

موسی به یهوه عرض کرده، گفت: «ملت‌مس اینکه یهوه خدای ارواح تمامی بشر کسی را بر این جماعت بگمارد که پیش روی ایشان بیرون رود و پیش روی ایشان داخل شود و ایشان را بیرون برد و ایشان را در آورد تا جماعت یهوه مثل گوسفندان بی‌شبان نباشند.» و یهوه به موسی گفت: «یوشع بن نون را که مردی صاحب روح است گرفته، دست خود را بر او بگذار و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت برپا داشته، در نظر ایشان به وی وصیت نما و از عزت خود بر او بگذار تا تمامی جماعت بنی اسرائیل او را اطاعت نمایند و او به حضور العازار کاهن بایستد تا از برای او به حکم اوریم به حضور یهوه سؤال نماید و به فرمان وی، او و تمامی بنی اسرائیل با وی و تمامی جماعت بیرون روند و به فرمان وی داخل شوند.» پس موسی به نوعی که یهوه او را امر فرموده بود عمل نموده، یوشع را گرفت و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت برپا داشت و دست‌های خود را بر او گذاشته او را به طوری که یهوه به واسطه موسی گفته بود، وصیت نمود. (اعداد، ۲۸: ۱۵-۲۳)



همسو با کتاب مقدس، شخصیت یهودی موسوم به «نعل» نیز خطاب به پیامبر ﷺ از چنین سنتی به همراه نام و عنوان جانشین موسی ﷺ خبر می‌دهد: «نعل عرضه داشت: ... هیچ پیامبری نیست مگر آنکه برای وی وصی و جانشینی خواهد بود. هرآینه پیامبر ما موسی بن عمران به یوشع بن نون امر جانشینی را سپرد.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۳)

نمونه دیگر اینکه کتاب مقدس از مادر عیسی، پدرخوانده، خواهر و برادرهای ناتنی‌اش سخن می‌گوید، ولی هیچ اشاره‌ای به فرزندش نمی‌کند. این نکته حاکی از آن است که او واجد فرزندی نبود؛ وگرنه بدون تردید در کلام خدا گزارشی در مورد وی یافت می‌شد. در این باره یکی از دیرنشین‌های عصر امام حسین ﷺ نیز از این حقیقت رازگشایی کرده است: «راهب گفت: ... به خدا سوگند، اگر برای عیسی بن مریم ﷺ پسری وجود داشت، ما آن را بر روی حذقه چشمانمان حمل می‌کردیم.» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۵۷۹).

### ۳-۳-۳. تکمیل گزارش کتاب مقدس از سوی داده حدیثی

در این باره به نمونه‌های زیر اشاره می‌کنیم:

در عهد عتیق می‌خوانیم که یهوه، یوشع را وصی موسی ﷺ می‌کند (اعداد ۲۷: ۱۸). یوشع با اقوام ساکن در سرزمین موعود می‌جنگد و آنان را نابود می‌کند (یوشع ۸ تا ۱۲). این رخداد چهل سال به درازا می‌کشد: «بنی اسرائیل چهل سال در بیابان راه می‌رفتند تا تمامی آن طایفه، یعنی آن مردان جنگی که از مصر بیرون آمده بودند، تمام شدند.» (یوشع ۵ و ۶). در کتاب یادشده بخشی از کشور عراق شامل فرات و حوالی آن نیز به‌عنوان حدود سرزمین یوشع معرفی می‌شود (یوشع ۱: ۳-۴).

محتوای این گزارش را در منابع حدیثی و ضمن گفت‌وگوی امام علی ﷺ در عراق با یکی از مسیحیان نیز در اختیار داریم (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۳۷۲)؛ اما از ماجرای تشنگی یاران یوشع و وقایع پس از آن، در کتاب مقدس هیچ ذکری به میان نیامده است؛ در حالی که روایت اخیر در این باره رازگشایی و متعاقباً اخبار تکمیلی آن را منعکس کرده است.

در عهد عتیق چندین خبر دربارهٔ عزیر یا عزرا، همچون مهارت او در کتابت یا اهتمامش به احیای شریعت موسی ﷺ و نیز جمع‌آوری و تدوین تورات منعکس شده است (نحمیا ۸: ۱۳؛ عزرا ۷: ۱-۱۰)؛ ولی از مفاد دیدار عالم سال‌خوردهٔ مسیحی معاصر با امام باقر ﷺ می‌توان به گزارش تاریخی دیگری هم از این پیامبر دست یافت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ۱۲۳).

ماجرای خضر و موسی (۲۶) در عهدین به‌طور مستقیم بیان نشده است، اما برخی کتب



تاریخی یهودیان مشابه آن رویداد را برای الیاس و یوشع (۲ع) گزارش کرده‌اند (Brannon, ۲۰۰۲, ۱۵۳&۱۵۴). اگر سنت یهودی اصل داستان را بپذیرد، حدیثی که حاوی ترجمه متنی کشف‌شده در عصر اسلام به زبان سریانی و روی پوستی با قدمتی ۱۲۰۰ ساله است می‌تواند این گزارش را تکمیل کند (ابن‌شاذان قمی، ۱۴۲۳ق، ۱۵۲).

### ۳-۳-۴. انعکاس داده‌های جدیدی در حدیث در مقایسه با کتاب مقدس

بررسی معاجم روایی نشان می‌دهد، گزارش‌های بخش چهارم در مقایسه با سه قسمت پیشین بیشتر است (برای آگاهی از برخی شواهد نک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ۳۰۱؛ عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ۲۱۱ و ۲۲۵؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق، ۳۴۸؛ همو، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ۴۷۶-۴۷۷ و ۳۸۲؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲۱۳-۲۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۲۳۳ و ۴۸۷؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ۲۶۸ و ۲۹۱؛ ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق، ۷۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۵۱۳؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۳-۴۲۴؛ موسوی، ۱۴۱۰ق، ۲۸۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ۴۱۸؛ طبرسی، ۱۳۷۰ش، ۳۴۴؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ۳۶). در ادامه سه نمونه از گزارش‌هایی را ذکر می‌کنیم که هیچ اثری از آن در کتاب مقدس به چشم نمی‌خورد.

امام علی علیه السلام در دیدار با یکی از یهودیان، اخباری را از عهد موسی علیه السلام گزارش و شخص یهودی مفاد داده‌ها را تأیید می‌کند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ۷۲۴).

یوشع بعد از وفات موسی علیه السلام با قومی روبه‌رو می‌شود که به یگانگی خداوند شهادت می‌دهند، ولی موسی علیه السلام را فرستاده خداوند نمی‌دانند؛ پس یوشع رویاروی آن‌ها می‌ایستد و ایشان را با دود هلاک می‌کند. این گزارشی است که امام علی علیه السلام از آن خبر می‌دهد و مخاطب یهودی امام درستی آن را تأیید می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ۱۸۳).

راهبی مسیحی در ملاقات با امام علی علیه السلام، به یادکرد خانه مریم علیها السلام و سرزمین عیسی علیه السلام در انجیل اشاره می‌کند (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۰۰).

## نتیجه‌گیری

از یک سو، منابع نویافته و رهیافت انتقادی به کتاب مقدس که رهاورد عواملی چون عصر روشنگری بود توجه متفاوتی را نسبت به کتاب مقدس رقم زد و اعتبارسنجی موردی داده‌های ناهمسوی آن را به همراه داشت؛ از سوی دیگر، حدس دوری نیست که با نظر به شیوع و گسترش این رهیافت به درون مایه کتاب مقدس، بتوان هم‌راستا با منابع نویافته، از برخی منابع اسلامی نیز در مسیر شفاف‌سازی گزارش‌های مبهم و چالشی موجود از یهودیت و مسیحیت بهره برد. البته در این پژوهش یادآوری کردیم که در قلمروی مزبور و بنابر باورداشت حدیث شیعی، داده‌های قرآنی کارآمد و یاریگر نخواهد بود و تنها محتوای برخی روایات نقش‌آفرینی خواهد کرد. در واقع، افزون بر احادیث ماورایی درباره تاریخ و تعالیم ادیان موردنظر، روایاتی نیز در بستر طبیعی تاریخ به زمانه اسلام منتقل شده است که به نظر می‌رسد برای محققان ارزش تاریخی دارد و می‌تواند از مشکلات یادشده گره‌گشایی کند. در این مقاله، ضمن گونه‌شناسی مجموع روایات ادیانی، صحت‌سنجی این رویکرد تاریخی را بررسی و ضمن برشمردن مستندات از تاریخ، سعی کردیم در راستای جواز رویکرد مزبور، دلایل حدیثی و قرآنی روایی را به صورت تفصیلی ارائه نماییم. در ادامه نیز ثمرات چهارگانه‌ای برای بحث بیان کردیم که می‌توان جملگی آن‌ها را کارکردهای تاریخی احادیث در قلمرو تاریخ و تعالیم ادیان در حوزه مطالعات متون مقدس تلقی کرد.

## فهرست منابع

### فارسی

- کتاب مقدس (۲۰۱۲م)، انگلستان، انتشارات ایلام.
- احمدی، محمدحسن (۱۳۹۹ش)، «حدیث و طبقه‌بندی آن در رویکردی تاریخی»، حدیث پژوهی، شماره ۲۴، ۴۹-۷۴.
- امین، احمد (۱۳۳۵ش)، پرتو اسلام، ترجمه عباس خلیلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بل، ریچارد (۱۳۸۲ش)، درآمدی بر تاریخ قرآن (بازنگری و بازنگاری از ویلیام مونتگمری وات)، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی.
- توماس، دیوید (۱۳۹۹ش)، مسیحیت و مسیحیان در متون اسلامی، ترجمه محمدحسین محمدپور، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۴ش)، پیش‌درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام، قم: مؤسسه در راه حق.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹ش)، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵ش)، قرآن در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶ش)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فانفلوتن، گرلوف (۱۹۶۵م)، السیادة العربیة و الشیعة و الاسرائیلیات فی عهد بنی‌أمیة، ترجمه حسن ابراهیم حسن و محمد زکی ابراهیم، مصر: وزارة الثقافة و السیاحة.
- فصیحی، محمدحسین و ابوالفضل کیشمشکی (۱۳۹۰ش)، «وحی و تجربه دینی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و دکتر سروش»، نشریه طلوع نور، سال دهم، شماره ۳۶، ۱۱۱-۱۳۲.
- موتسکی، هارالد (۱۳۸۴ش)، «حدیث پژوهی در غرب؛ مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، سال دهم، شماره سوم و چهارم، ۳-۳۱.
- میرقصری، سیدمرتضی (۱۴۰۰ش)، «صورت‌بندی ادله عالمان شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن»، پژوهش‌نامه امامیه، دوره ۷، شماره ۱۴، ۲۱۱-۲۲۸.
- وات، ویلیام مونتگمری (۱۳۷۳ش)، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هویدی، احمد محمود (۱۳۸۶ش)، «پژوهش‌های قرآنی در آلمان»، ترجمه حسین علینقیان، ریشه پژوهش، شماره ۱۰۳، ۲۵-۳۶.

### عربی

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی، تهران: بی‌نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأملی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ----- (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: حوزه علمیه قم.
- ----- (۱۳۶۲ش)، النخصال، قم: دار الکتب الإسلامية.
- ----- (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ----- (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم: بی‌نا، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق)، المقدمة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن‌شاذان قمی، أبو‌الفضل شاذان بن جبرئیل (۱۴۲۳ق)، الروضة فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابی‌طالب علیهما السلام، قم: بی‌نا، چاپ اول.

- ----- (۱۳۶۳ش)، الفضائل (لابن شاذان القمي)، قم: نشر رضی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم: بی نا.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، اقبال الأعمال، تهران: دار الکتب الاسلاميه.
- ----- (۱۴۱۳ق)، اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين، قم: دار الكتاب.
- ----- (۱۳۶۳ش)، سعد السعود، قم: منشورات الرضى.
- ----- (۱۳۷۵ش)، كشف المحجة لثمره المهجة، قم: بوستان كتاب.
- ----- (۱۴۱۱ق)، مهج الدعوات ومنهج العبادات، قم: دار الذخائر.
- ابن عساکر، أبو القاسم (۱۴۱۵ق)، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابن قتيبة، ياقوت (۱۴۱۴ق)، معجم الأدباء، بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- ابن كثير، أبو الفداء (۱۴۰۸ق)، البداية والنهاية، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن هشام، محمد (بی تا)، السيرة النبوية، به كوشش مصطفى سقا، بيروت: دارالعلم.
- ابو الصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۴ق)، تقریب المعارف، قم: نشر الهادی.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۷ق)، مكاتیب الأئمة عليهم السلام، قم: موسسه دار الحديث العلمية والثقافية.
- ----- (۱۴۱۹ق)، مكاتیب الرسول صلّى الله عليه وآله وسلم، قم: دار الحديث.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبريز: نشر بنی هاشمی.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۵ق)، الأغاني، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- الموسوی، فخار بن معد (۱۴۱۰ق)، إيمان أبي طالب (الحجة على الذاهب إلى كفر أبي طالب)، قم: دار سيد الشهداء للنشر.
- امین، احمد (۲۰۱۲م)، ضحی الإسلام، مصر: مؤسسه هنداوی.
- باقلانی، ابوبکر (بی تا)، نکت الانتصار لنقل القرآن، اسکندریه: منشأة المعارف.
- بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، قم: مؤسسة الامام المهدي.
- بحرانی، سيد هاشم بن سليمان (۱۳۷۴ش)، البرهان في تفسير القرآن، قم: مؤسسة البعثة.
- ----- (۱۴۱۳ق)، مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
- بکری، احمد بن عبد الله (۱۴۱۱ق)، الأنوار في مولد النبي صلى الله عليه وآله، قم: دار الشريف الرضي.
- بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۱۲ق)، فتوح البلدان، بيروت: دار الکتب العلمية.
- بروکلیمان، کارل (۲۰۰۶م)، تاريخ الأدب العربي، قم: دار الكتاب الإسلامي.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، بيروت: دار الکتب العلمية.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
- جعفریان، رسول (۱۴۱۵ق)، القرآن ودعوات التحريف، بيروت: دارالتقليين.
- جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز (بی تا)، مقتضب الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، قم: انتشارات طباطبائی.
- حداد، يوسف دره (۱۹۸۲م)، دروس قرآنيه، لبنان، منشورات المكتبة البولسية.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، قم: بی نا.
- خضری، عبد العليم عبدالرحمن (۱۴۱۵ق)، المسلمون وكتابة التاريخ، هيرندن: الدار العالمية للكتاب الاسلامي.



- خوي، ابوالقاسم (١٣٦٤)، البيان في تفسير القرآن، قم: دارالثقلين.
- دروزه، محمد عزة (١٩٧٩م)، القرآن والمبشرون، بيروت: المكتب الإسلامي.
- ديلمى، حسن بن محمد (١٤١٢ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشريف الرضي.
- راميار، محمود (١٣٦٩ش)، تاريخ قرآن، تهران: نشر اميركبير.
- رشيد رضا، محمد (١٩٩٠م)، تفسير المنار، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- زرقانى، عبدالعظيم (١٤١٢ق)، مناهل العرفان، بيروت: مؤسسة التاريخ العربى.
- زيات، حبيب (٢٠١٠م)، الديارات النصرانية في الاسلام، بيروت: دارالمشرق.
- سامرانى، ابراهيم (١٤١١ق)، معجميات، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
- سيوطى، جلال الدين (١٤٢١ق)، الإقتان في علوم القرآن، بيروت: دار الكتاب العربى.
- ----- (١٤٢٤ق)، تدریب الراوى في شرح تقريب النواوي، بيروت: مؤسسة كتب الثقافة.
- حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- ----- (١٤١٨ق)، الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، قم: موسسه معارف اسلامى امام رضا عليه السلام.
- ----- (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- شيخو، لويس (١٩٨٩م)، النصرانية وآدابها بين عرب الجاهلية، بيروت: دار المشرق.
- صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي عليه السلام.
- ضيف، شوقي، (١٩٧٢م)، المدارس النحوية، قاهره، دارالمعارف.
- طبرسى، احمد بن على (١٤٠٣ق)، الاحتجاج على أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضى.
- طبرسى، حسن بن فضل (١٣٧٠)، مكارم الأخلاق، قم: الشريف الرضي.
- طبرسى، فضل بن حسن (١٤١٧ق)، إعلام الورى بأعلام الهدى، تهران: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- ----- (١٤٠٦ق)، مجمع البيان لعلوم القرآن، بيروت: دار المعرفه.
- طبرى آملى، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم (١٣٨٣ق)، بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية.
- طوسى، محمد بن الحسن (١٤١٤ق)، الأمالى، قم: دار الثقافة.
- ----- (١٤١١ق)، الغيبة للحجة، قم: دار المعارف الإسلامية.
- عاملى، جعفر مرتضى (بى تا)، حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- علم الهدى، على بن حسين (١٩٩٨م)، أمالى المرتضى، قاهره: بى تا.
- على، جواد (١٩٨٠م)، المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام، بيروت: دار العلم للملايين.
- قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله (١٤٠٩ق)، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مهدي (عج).
- قمى، عباس (١٤١٤ق)، سفينة البحار، قم: نشر اسوه.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- ----- (١٤٠٤ق)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مرتضى زبيدي، محمد بن محمد (١٣٨٥ق)، تاج العروس، بيروت: دار الهداية.
- معرفت، محمدهادى (١٤١٥ق)، التمهيد في علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.

- مقدسى، مظهر بن طاهر (بى تا)، البدء والتاريخ، بى جا: مكتبة الثقافة الدينية.
- موسوى، شرف الدين (۱۴۱۶ق)، أجوبة مسائل جبار الله، قم: المجمع العالمى لأهل البيت.
- ميرمحمدى، ابوالفضل (۱۴۰۰ق)، بحوث في تاريخ القرآن وعلومه، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- نورى، حسين بن محمدتقى (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت (ع).  
• هاشمى خويى، ميرزا حبيب الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، تهران: مكتبة الاسلاميه.

## English

- Brannon M. Wheeler (2002), *Prophets in the Quran: An Introduction to the Quran*, London, Continuum.
- Donner, Fred M., (1998), *Narratives of Islamic origins, The beginnings of Islamic historical writing*, New Jersey, The Darwin press.
- Gibb, H. A. R. & Kramers, J. H. (1953), *Shorter Encyclopedia of Islam*, Ithaca, N. Y., Cornell University Press.
- Kohlberg, Etan and Mohammad Ali Amir-Moezzi, (2009), *Revelation and Falsification the al-qiraat of Ahmad b. Muhammad al-sayyari*, Leiden, Brill.
- Mangel, Rabbi Nissen (2013), *Siddur Tehillat Hashem*, New York, Merkos Linyone Chinuch.
- Sprenger, Aloys (1851), *The Life of Mohammad: From Original Sources*, Warren, The Presbyterian Mission press.